

ارتباط پلی مورفیسم های C465T و C609T در ژن NQO1 با لوسمی میلوئیدی حاد

اکرم صفائی^۱، فرهاد ذاکر^۲، حیدر شرفی^۳، مهرداد هاشمی^۴، پریچهره یغمایی^۵، مریم عبداله زاده^۶

چکیده

سابقه و هدف

بسیاری از مطالعه ها ثابت کرده اند که پلی مورفیسم ژن NQO1، باعث افزایش خطر ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد می شود. هدف از این مطالعه، ارزیابی میزان شیوع پلی مورفیسم های C465T و C609T در ایران و بررسی نقش این پلی مورفیسم ها در افزایش خطر ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد بود.

مواد و روش ها

مطالعه انجام شده از نوع مورد - شاهدهی بود. با استفاده از روش PCR-RFLP، به صورت تصادفی برای پلی مورفیسم C609T، ۱۴۰ بیمار مبتلا به لوسمی میلوئیدی حاد در برابر ۸۰ نفر شاهد و برای پلی مورفیسم C465T، ۱۲۴ (از ۱۴۰ بیمار) بیمار مبتلا به لوسمی میلوئیدی حاد در برابر ۸۰ نفر گروه شاهد، مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تحلیل آماری از آزمون مجذور کا و نرم افزار SPSS ۱۶ استفاده شد.

یافته ها

ارتباط معناداری بین پلی مورفیسم های C609T و C465T NQO1 و افزایش خطر ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد یافت نشد. در پلی مورفیسم C609T، نسبت شانس برای ژنوتیپ TT در مقابل ژنوتیپ CC، $0.21(0.13-0.40)$ ، $CI = 0.95$ و برای ژنوتیپ CT در مقابل ژنوتیپ CC، $0.06(0.01-0.57)$ ، $CI = 0.95$ بود. در پلی مورفیسم C465T، نسبت شانس برای ژنوتیپ TT در مقابل ژنوتیپ CC، صفر و برای ژنوتیپ CT در مقابل ژنوتیپ CC، $0.03(0.00-0.32)$ ، $CI = 0.95$ بود.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه نشان می دهد که واریانت های ژن C609T و C465T NQO1، فاکتور مهمی برای ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد نیستند.

کلمات کلیدی: پلی مورفیسم (ژنتیک)، لوسمی میلوئیدی حاد، پروتئین انسانی NQO1

تاریخ دریافت: ۱۹/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۶

۱- مؤلف مسئول: کارشناس ارشد ژنتیک - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشکده زیست شناسی - تهران - بزرگراه اشرفی اصفهانی - کدپستی: ۱۴۵۱۵-۷۷۵

۲- PhD هماتولوژی - دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران - مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی - تهران - ایران

۳- کارشناس ارشد هماتولوژی - دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده پیراپزشکی - تهران - ایران

۴- PhD ژنتیک مولکولی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران - ایران

۵- PhD فیزیولوژی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشکده زیست شناسی - تهران - ایران

۶- کارشناس علوم آزمایشگاهی - دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده پیراپزشکی - تهران - ایران

مقدمه

NQO1 یک آنزیم اکسیدوردوکتاز است که نقش مهمی در سم‌زدایی از کوئینون و مشتقات آن را بر عهده دارد (۱). هم چنین این آنزیم باعث ثبات و پایداری P53 می‌شود و از سلول‌ها در برابر آسیب‌های اکسیداتیو محافظت می‌کند (۲). CYP1E1 آنزیمی است که در بدن، بنزن را به هیدروکوئینون تبدیل می‌کند، این ترکیب توسط میلوپر-اکسیداز به بنزوکوئینون که بسیار سمی است تبدیل می‌شود. NQO1 بنزوکوئینون را به ترکیبی با سمیت کمتر تبدیل می‌نماید (۳). عملکرد این آنزیم شامل احیا کردن کوئینون و ترکیبات نیترو-کوئینون و آزوکوئینون و ایجاد فرم‌های آنتی اکسیدانت از ویتامین E و یوبی کوئینون می‌باشد (۴). هم چنین این پروتئین، در ثابت کردن پروتئین P53 که یک سرکوبگر تومور است نقش دارد (۵). از آن جایی که NQO1 در سم‌زدایی از کارسینوژن‌هایی مثل بنزن و مواد شیمیایی آسیب‌رسان به سلول‌های خونی مؤثر است، منطقی است واریانت‌هایی که باعث کاهش کارکرد آنزیم شوند، با لوسمی مرتبط باشند (۶).

مطالعه‌های گوناگونی نقص در این ژن را عامل مؤثر در لوسمی میلوئیدی حاد گزارش کرده‌اند (۷-۱۰). در پلی مورفیسم NQO1C609T در شماره ۶۰۹، اسید نوکلئیک تیمیدین جایگزین سیتوزین شده و در شماره ۱۸۷، اسید آمینه سرین جایگزین پرولین می‌شود. این جابه‌جایی، منجر به کاهش عملکرد پروتئین می‌گردد (۱۱).

در پلی مورفیسم NQO1C465T در شماره ۴۶۵، اسید نوکلئیک تیمیدین جایگزین سیتوزین شده و در شماره ۱۳۹، اسید آمینه سرین جایگزین پرولین می‌شود. این جابه‌جایی منجر به ایجاد mRNA با ثبات کم و همین‌طور ثبات کم پروتئین کد شده می‌شود (۱۲). به طوری که افراد با ژنوتیپ هتروزیگوت، فعالیت پایین این آنزیم را دارند و افراد با ژنوتیپ هموزیگوت، فقدان فعالیت آنزیم را نشان می‌دهند (۱).

این مطالعه با هدف ارزیابی میزان شیوع پلی مورفیسم‌های C465T و C609T و NQO1 بررسی نقش این پلی مورفیسم‌ها در افزایش خطر ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد انجام شد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه مورد - شاهدهی، جهت بررسی پلی مورفیسم‌های C609T و C465T در ژن NQO1 انجام شد. پس از اخذ رضایت از ۱۴۰ بیمار مبتلا به لوسمی میلوئیدی حاد و ۸۰ فرد سالم به عنوان گروه شاهد که به سازمان انتقال خون بخش فلوسیتومتری و بیمارستان شریعتی بخش خون، مراجعه کرده بودند، نمونه خون گرفته شد و برای استخراج DNA مورد استفاده قرار گرفت. استخراج DNA با روش فنل - کلروفرم و رسوب‌گیری با اتانول انجام شد و روش PCR-RFLP برای تعیین ژنوتیپ، به کار گرفته شد. به منظور تکثیر ناحیه ژنتیکی پلی مورفیسم C609T، از آغازگرهای زیر برای ایجاد محصولی به طول ۲۲۹ bp استفاده شد (۱): آغازگر جلوبرنده (Forward):

5'CTA GCT TTA CTC GGA CCC ACTC-3
آغازگر معکوس (Reverse):

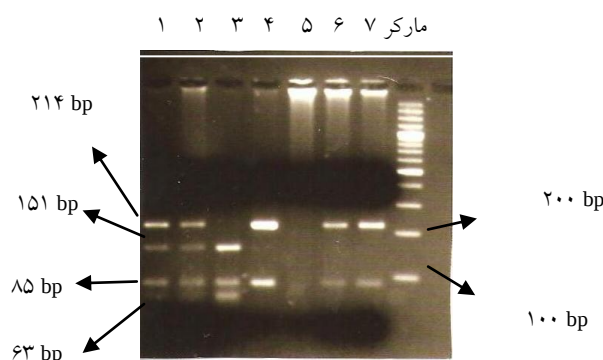
5'GCA ACA AGA GGG AAG CTC CAT C 3'
به منظور تکثیر ناحیه ژنتیکی پلی مورفیسم C465T از آغازگرهای زیر برای ایجاد محصولی به طول ۴۶۴ bp استفاده شد (۱): آغازگر جلوبرنده: 5'- CTC TCT GTG
5'GAT - آغازگر معکوس: CTT TCT GTA TCC-3'
3' GGA CTT GCC CAA GTG ATG 3'

جهت PCR، تعداد ۳۵ سیکل با برنامه ۱۰ دقیقه ۹۴ درجه سانتی‌گراد، ۶۰ ثانیه ۹۴ درجه سانتی‌گراد، ۴۵ ثانیه ۶۰ درجه سانتی‌گراد، ۶۰ ثانیه ۷۲ درجه سانتی‌گراد و ۱۰ دقیقه ۷۲ درجه سانتی‌گراد مورد استفاده قرار گرفت. بعد از انجام PCR، جهت اطمینان از تکثیر قطعه مورد نظر، تمامی نمونه‌ها روی ژل آگارز ۱ درصد الکتروفورز شدند، سپس باقیمانده محصول جهت هضم آنزیمی به مدت ۱۶ ساعت در مجاورت آنزیم HinF1 و محصولات تکثیر شده برای پلی مورفیسم C465T به مدت ۱۶ ساعت در مجاورت آنزیم HpaII قرار گرفتند. پس از اتمام مدت انکوباسیون، محصولات مجدداً روی آگارز ۳/۵ درصد الکتروفورز شده و مورد بررسی قرار گرفتند. باندهای مشاهده شده برای پلی مورفیسم C609T شامل: ۴ باند ۶۳bp، ۸۵، ۱۵۱ و ۲۱۴ نشان‌دهنده نوع هتروزیگوت، دو باند ۸۵ و ۲۱۴ نشان‌دهنده هموزیگوت طبیعی و ۳ باند ۶۳ bp، ۸۵ و ۱۵۱

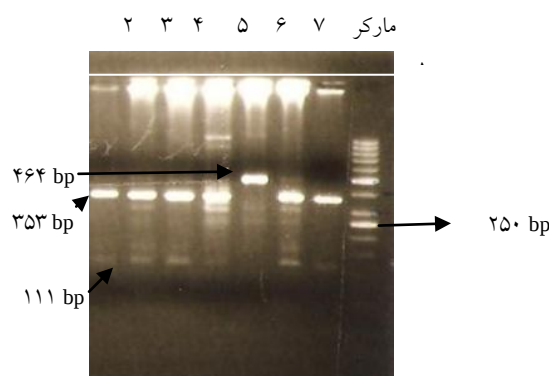
بین گروه‌های بیمار و کنترل استفاده شد. با استفاده از آنالیز آماری، نسبت شانس (OR) و فاصله اطمینان ۹۵٪ (CI) محاسبه گردید و ارتباط بین پلی مورفیسم و بیماری مشخص شد. آنالیزهای آماری توسط نرم‌افزار SPSS ۱۶ انجام شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۱۴۰ بیمار مبتلا به لوسمی میلوئیدی حاد با میانگین سنی $13/24 \pm 48/25$ سال و ۸۰ فرد گروه شاهد با میانگین سنی $17/89 \pm 44/13$ سال مورد بررسی قرار گرفتند. نسبت مرد به زن در گروه بیمار ۰/۹۳ و در گروه شاهد ۰/۹۶ بود (نسبت مرد به زن در دو جامعه مورد بررسی مساوی بود). نمونه‌های DNA افراد گروه بیمار و افراد گروه کنترل، برای ناحیه ژنی NQO1C609T تکثیر شدند، در توزیع ژنوتیپی برای افراد سالم، ۵ نفر هموزیگوت موتانت TT (۶/۲٪)، ۲۴ نفر هتروزیگوت CT (۳۰/۰٪) و ۵۱ نفر هموزیگوت طبیعی CC (۶۳/۷۵٪) بودند. در توزیع ژنوتیپی برای افراد بیمار، ۲ نفر هموزیگوت موتانت TT (۱/۴۳٪)، ۴۶ نفر هتروزیگوت CT (۳۲/۸۵٪) و ۹۲ نفر هموزیگوت طبیعی CC (۶۵/۷۲٪) بودند (جدول ۱). میزان شیوع آلل T موتانت در گروه بیمار ۱۸٪ و در افراد کنترل ۲۱/۲٪ محاسبه گردید که اختلاف معناداری بین دو گروه از نظر فراوانی آللی مشاهده نشد ($OR = 0/43 - 1/72$ ، $CI = 0/95$ ، $OR = 0/86$). نسبت شانس برای هموزیگوت موتانت در مقابل هموزیگوت طبیعی (CC/TT) $0/21$ ($CI = 0/51 - 1/63$) و برای هتروزیگوت در مقابل هموزیگوت طبیعی (CC/CT) $1/06$ ($CI = 0/57 - 1/95$) محاسبه گردید. نمونه‌های DNA افراد گروه بیمار و افراد گروه کنترل، برای ناحیه ژنی NQO1C465T تکثیر شدند. در توزیع ژنوتیپی برای افراد سالم، ۱ نفر هموزیگوت موتانت TT (۱/۲۵٪)، ۲ نفر هتروزیگوت CT (۲/۵٪) و ۷۷ نفر هموزیگوت طبیعی CC (۹۶/۲۵٪) بودند. در توزیع ژنوتیپی برای افراد بیمار، ۹ نفر هتروزیگوت CT (۷/۲۵٪) و ۱۱۵ نفر هموزیگوت طبیعی CC بودند و موردی با هموزیگوت موتانت TT یافت نشد (جدول ۲).



شکل ۱: قطعات DNA پس از هضم آنزیمی برای تعیین ژنوتیپ C609T: باندهای چاهک ۱ و ۲ نمایانگر نوع هتروزیگوت است، چاهک ۳ نشانگر هموزیگوت موتانت است و چاهک ۴، ۶ و ۷ نمایانگر هموزیگوت طبیعی است (مارکر ۱۰۰ bp).



شکل ۲: قطعات DNA پس از هضم آنزیمی برای تعیین ژنوتیپ C465T: باندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۶ و ۷ نشانگر هموزیگوت طبیعی و چاهک ۵ نشان‌دهنده هموزیگوت موتانت است (مارکر ۵۰ bp).

نشان‌دهنده هموزیگوت موتانت بود (۱) (شکل ۱). باندهای چاهک ۱ و ۲ نمایانگر نوع هتروزیگوت، چاهک ۳ نشانگر هموزیگوت موتانت و چاهک ۴، ۶ و ۷ نمایانگر هموزیگوت طبیعی هستند. باندهای مشاهده شده برای پلی مورفیسم C465T شامل: ۳ باند ۴۶۴، ۳۵۳، ۱۱۱ bp نشان‌دهنده نوع هتروزیگوت، دو باند ۳۵۳ و ۱۱۱ bp نشان‌دهنده هموزیگوت طبیعی و تک باند ۴۶۴ bp نشان‌دهنده هموزیگوت موتانت بود (۱) (شکل ۲). باندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۶ و ۷ نشانگر هموزیگوت طبیعی و چاهک ۵ نشان‌دهنده هموزیگوت موتانت است. آزمون مجذور کا، به منظور به دست آوردن اختلاف فراوانی آللی

جدول ۱: نتایج نهایی حاصل از بررسی پلی مورفیسم های NQO1 در دو گروه بیمار و کنترل

واریانت	بیماران (%)	کنترل (%)	نسبت شانس	فاصله اطمینان ۹۵٪
NQO1C609T				
CC	۹۲ (۶۵/۲)	۵۱ (۶۳/۷)	* ۱/۰۰	-
CT	۴۶ (۳۲/۸)	۲۴ (۳۰/۰)	۱/۰۶	(۰/۵۷-۱/۹۵)
TT	۲ (۱/۴۳)	۵ (۶/۲)	۰/۲۱	(۰/۰۴-۱/۱۳)
CT/TT	۴۸ (۳۴/۲)	۲۹ (۳۶/۲۵)	۰/۹۱	(۰/۵۱-۱/۶۳)
فراوانی آللی				
C	۱۱۵ (۸۲/۱)	۶۳ (۷۸/۷)	۱/۰۰	-
T	۲۶ (۱۸/۵)	۱۷ (۲۱/۲)	۰/۸۶	(۰/۴۳-۱/۷۲)
NQO1C465T				
CC	۱۱۵ (۹۲/۷۵)	۷۷ (۹۶/۲)	* ۱/۰۰	-
CT	۹ (۷/۲۵)	۲ (۲/۵)	۳/۰۱	(۰/۶۳-۱۴/۳)
TT	۰ (۰/۰)	۱ (۱/۲۵)	۰/۰	-
CT/TT	۹ (۷/۲۵)	۳ (۳/۷۵)	۲/۰۰	(۰/۵۷-۷/۶۵)
فراوانی آللی				
C	۱۲۰ (۹۶/۰)	۷۸ (۹۷/۵)	* ۱/۰۰	-
T	۵ (۳/۶)	۲ (۲/۵)	۱/۶۲	(۰/۳-۸/۵۸)

* به عنوان رفرانس در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: نتایج حاصل از ترکیب دو پلی مورفیسم C609T و C465T (joint effect) و ارتباط آن با افزایش خطر ابتلا به AML

فرم های ترکیبی	بیماران (%)	کنترل (%)	نسبت شانس	فاصله اطمینان ۹۵٪
CC609/CC465	۷۷ (۶۲/۰۵)	۴۱ (۵۷/۷)	* ۱/۰۰	-
CC609/CT465	۵ (۴/۰۳)	۱ (۱/۲۵)	۳/۱۸	(۰/۳۶-۲۸/۵۰)
CC609/TT465	۰ (۰/۰)	۱ (۱/۲۵)	۰/۰	-
CT609/CC465	۳۷ (۲۹/۸)	۲۴ (۳۰/۳)	۹/۸۱	(۰/۵۲-۱/۳۸)
CT609/CT465	۳ (۲/۴۱)	۰ (۰/۰۰)	۰/۰	-
CT609/TT465	۰ (۰/۰۰)	۰ (۰/۰۰)	-	-
TT609/CC465	۱ (۰/۸)	۴ (۵/۰)	۱/۱۵	(۰/۰۷-۱/۶۵)
TT609/CT465	۱ (۰/۸)	۱ (۱/۲۵)	۰/۶۳	(۰/۳۰-۱۰/۴۱)
TT609/TT465	۰ (۰/۰۰)	۰ (۰/۰۰)	-	-

* به عنوان رفرانس در نظر گرفته شده است.

جدول ۲ و میزان نسبت شانس و فاصله اطمینان که برای هر یک از فرم های ترکیبی پلی مورفیسم ها در جدول آمده است، مشخص می شود که هیچ اختلاف معناداری در حالات ترکیبی فرم های هتروزیگوت و یا هموزیگوت

میزان شیوع آلل T موتانت در گروه بیمار ۳/۶٪ و در افراد کنترل ۲/۵٪ محاسبه گردید که اختلاف معناداری بین دو گروه از نظر فراوانی آللی مشاهده نشد (۰/۳۰-۸/۵ = OR = ۱/۶۲، CI ۹۵٪). با توجه به نتایج به دست آمده در

واریانت پلی مورفیسم ها وجود ندارد. در مطالعه حاضر وجود هر دو جهش با هم در هیچ فرد بیماری مشاهده نشد اما وجود هتروزیگوسیتی برای هر دو پلی مورفیسم در چند بیمار AML دیده شد (جدول ۲).

بحث

این مطالعه نشان داد که واریانت های آنزیم NQO1 (C465T, C609T) عامل مهمی برای ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد نیستند و فراوانی آلل موتانت، بین دو جامعه بیمار و کنترل، تفاوت معناداری ندارد. هیچ اختلاف معناداری در حالات ترکیبی فرم های هتروزیگوت و یا هموزیگوت واریانت پلی مورفیسم های C465T و C609T NQO1 مشاهده نشد. اعتقاد بر این است که کوئینون ها از طریق سیکل های اکسایش و کاهشی منجر به تشکیل رادیکال های سمی کوئینون می شوند. NQO1 این ترکیبات سمی را با واکنش های اکسایش و احیا به ترکیبات همی - کوئینون تبدیل می کنند که سمیت کمتری دارند (۸). بزرگترین مطالعه ای که در ارتباط با پلی مورفیسم C609T NQO1 و بیماری AML انجام شد در انگلستان بود؛ در این مطالعه افزایش خطر ابتلا به AML در ارتباط با این پلی مورفیسم گزارش شد (۹).

لارسون و همکارانش در مطالعه ای در اروپا، ارتباط معناداری بین AML متعاقب درمان و پلی مورفیسم NQO1*2 گزارش کردند (مخصوصاً در افرادی که دارای جابه جایی بین کروموزوم ۵ و ۷ بودند) (۸). در مطالعه باران و همکارانش، رابطه معناداری بین NQO1*2 با AML بزرگسالان گزارش شد (۱۳) در مطالعه بولفر و همکارانش که در سال ۲۰۰۷ روی رابطه آنزیم های متابولیزه کننده دارو (Drug-metabolizing enzyme) مثل NQO1 و لوسمی حاد انجام شد، ارتباط معناداری بین پلی مورفیسم NQO1*2 با افزایش خطر ابتلا به AML پیدا نشد (۷). از طرف دیگر مطالعه اپیدمیولوژی روی تاثیرات سمی بنزن در چین، ثابت کرد که افراد با ژنوتیپ سرین/سرین (ژنوتیپ موتانت NQO1)، افزایش خطر ابتلا به سمیت های خونی را دارند (۱۴). مطالعه ها در زمینه بررسی ارتباط NQO1 C465T با AML بسیار محدود است.

مطالعه های مورد - شاهد گاهی منتج به نتیجه ای مطلوب می شوند و گاهی گیج کننده هستند. این اختلاف در مطالعه های گوناگون می تواند ریشه در اختلاف نژادی داشته باشد، ممکن است عاملی که در یک منطقه و در یک نژاد مشخص عامل مستعد کننده برای ابتلا به بیماری خاص است، در نژاد دیگر و در یک منطقه جغرافیایی متفاوت، تعیین کننده نباشد. ممکن است گوناگونی در آنزیم هایی که در مسیر متابولیسم مشابه NQO1 هستند، در پیشرفت AML کمک کننده باشند یا این که شاید اثر زیان بار NQO1*2 (C609T) و NQO1*3 (C465T) در افرادی که در معرض کارسینوژن ها یا توکسین ها هستند، بروز کند (۱۵).

نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد که واریانت های آنزیم NQO1 (C465T, C609T)، عامل مهمی برای ابتلا به لوسمی میلوئیدی حاد نیستند.

برای مطالعه تاثیر پلی مورفیسم بر ابتلا به لوسمی، لازم است مطالعه های آزمایشگاهی با مطالعه های اپیدمیولوژی بررسی شود. بهتر است در کنار بررسی پلی مورفیسم ژن های سم زداز کارسینوژن ها، جزئیات بیشتری از قبیل عوامل لوسمیوژنیک محیطی و مواد شیمیایی خاص مثل بنزن و اشعه رادیواکتیو که می تواند در ابتلا به AML دخیل باشد، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. در این گونه بررسی ها بهتر است واریانت های دیگر ژن های دخیل در مسیر سم زدایی از کارسینوژن ها از قبیل GSTs, CY1A1, MPO و هم چنین عوامل محیطی در نظر گرفته شوند (۱۷).

تشکر و قدردانی

در انتها از بیماران مبتلا به لوسمی میلوئیدی حاد و افراد سالمی که در این مطالعه با ما همکاری کردند و هم چنین از مسئولین گروه هماتولوژی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که تمامی هزینه های این پروژه را بر عهده داشتند، نیز همکاری سازمان انتقال خون ایران و بیمارستان شریعتی کمال تشکر را داریم.

References :

- 1- Eguchi-Ishimae M, Eguchi M, Ishii E, Knight D, Sadakane Y, Isoyama K, *et al.* The association of a distinctive allele of NAD(P)H:quinone oxidoreductase with pediatric acute lymphoblastic leukemias with MLL fusion genes in Japan. *Haematologica* 2005; 90(11): 1511-5.
- 2- Fagerholm R, Hofstetter B, Tommiska J, Aaltonen K, Vrtel R, Syrjäkoski K, *et al.* NAD(P)H:quinone oxidoreductase 1 NQO1*2 genotype (P187S) is a strong prognostic and predictive factor in breast cancer. *Nat Genet* 2008; 40(7): 844-53.
- 3- Smith MT, Yager JW, Steinmetz KL, Eastmond DA. Peroxidase-dependent metabolism of benzene's phenolic metabolites and its potential role in benzene toxicity and carcinogenicity. *Environ Health Perspect* 1989; 82 : 23-9.
- 4- Ross D, Kepa JK, Winski SL, Beall HD, Anwar A, Siegel D. NAD(P)H:quinone oxidoreductase 1(NQO1) chemoprotection, bioactivation, gene regulation and genetic polymorphisms. *Chem Biol Interact* 2000; 129(1-2): 77-97.
- 5- Asher G, Lotem J, Cohen B, Sachs L, Shaul Y. Regulation of p53 stability and p53-dependent apoptosis by NADH quinone oxidoreductase 1. *Proc Natl Acad Sci U S A* 2001; 98 (3): 1188-93.
- 6- Wan J, Shi J, Hui L, Wu D, Jin X, Zhao N, *et al.* Association of genetic polymorphisms in CYP2E1, MPO, NQO1, GSTM1, and GSTT1 genes with benzene poisoning. *Environ Health Perspect* 2002; 110(12): 1213-8.
- 7- Bolufer P, Collado M, Barragán E, Cervera J, Calasanz MJ, Colomer D, *et al.* The potential effect of gender in combination with common genetic polymorphisms of drug-metabolizing enzymes on the risk of developing acute leukemia. *Haematologica* 2007; 92(3):308-14.
- 8- Larson RA, Wang Y, Banerjee M, Wiemels J, Hartford C, Le Beau MM, *et al.* Prevalence of the inactivating 609C-->T polymorphism in the NAD(P)H:quinone oxidoreductase (NQO1) gene in patients with primary and therapy-related myeloid leukemia. *Blood* 1999; 94(2): 803-7.
- 9- Smith MT, Wang Y, Kane E, Rollinson S, Wiemels JL, Roman E, *et al.* Low NAD(P)H: quinone oxidoreductase 1 activity is associated with aincreased risk of acute leukemia in adults. *Blood*. 2001; 97(5): 1422-6.
- 10- Naoe T, Takeyama K, Yokozawa T, Kiyoi H, Seto M, Uike N, *et al.* Analysis of genetic polymorphism in NQO1, GST-M1, GST-T1, and CYP3A4 in 469 Japanese patients with therapy-related leukemia/ myelodysplastic syndrome and de novo acute myeloid leukemia. *Clin Cancer Res* 2000; 6(10): 4091-5.
- 11- Traver RD, Siegel D, Beall HD, Phillips RM, Gibson NW, Franklin WA, *et al.* Characterization of a polymorphism in NAD(P)H: quinone oxidoreductase (DT-diaphorase). *Br J Cancer* 1997; 75(1): 69-75.
- 12- Malik E, Cohen SB, Sahar D, Dann EJ, Rund D. The frequencies of NAD(P)H quinone oxidoreductase (NQO1) variant allele in Israeli ethnic groups and the relationship of NQO1*2 to adult acute myeloid leukemia in Israeli patients. *Haematologica* 2006; 91(7): 956-9.
- 13- Barragana E, Collado M, Cervera J, Martin G, Bolufer P, Roman J, *et al.* The GST deletions and NQO1*2 polymorphism confers interindividual variability of response to treatment in patients with acute myeloid leukemia. *Leuk Res* 2007; 31(7): 947-53.
- 14- Rothman N, Smith MT, Hayes RB, Traver RD, Hoener BA, Campleman S, *et al.* Benzene poisoning, a risk factor for hematological malignancy, is associated with the NQO1 609C-->T mutation and rapid fractional excretion of chlorzoxazone. *Cancer Res* 1997; 57(14): 2839-42.
- 15- D'Alò F, Voso MT, Guidi F, Massini G, Scardocci A, Sica S, *et al.* Polymorphisms of CYP1A1 and glutathione S-transferase and susceptibility to adult acute myeloid leukemia. *Haematologica* 2004; 89(6): 664-70.
- 16- Pérez-Morales R, Castro-Hernández C, Gonsebatt ME, Rubio J. polymorphism of CYP1A1*2C, GSTM1*0, and GSTT1*0 in a Mexican Mestizo population: a similitude analysis.. *Hum Biol* 2008; 80(4): 457-65.
- 17- Krajcinovic M, Sinnett H, Richer C, Labuda D, Sinnett D. Role of NQO1, MPO and CYP2E1 genetic polymorphisms in the susceptibility to childhood acute lymphoblastic leukemia. *Int J Cancer* 2002; 97(2): 230-6.

Original Article

Association of C609T and C465T polymorphisms of NQO1 gene with AML

Safaei A.¹, Zaker F.², Sharafi H.², Hashemi M.³, Yaghmaei P.¹, Abdolazadeh M.²

¹ Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Cellular and Molecular Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Islamic Azad University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background and Objectives

Many studies have demonstrated that polymorphisms of NQO1 including C465T and C609T are associated with increased risk of acute myeloid leukemia (AML). Our aims are to assess incidence of these polymorphisms in Tehran patients and study the influence of low activity of NQO1 in AML.

Materials and Methods

In this case-control study, we used PCR and RFLP analyses to study the prevalence of C609T NQO1 in 140 patients, and C465T NQO1 in 124 patients; there was also a control group of 80 being age-sex matched. We calculated odd ratio with SPSS 16 to examine if these polymorphisms are associated with AML.

Results

No significant association between the two common polymorphisms of NQO1 and risk of AML was observed. C609T odd ratio for TT genotype versus CC was obtained to be 0.91 (CI 95% = 0.51-1.63) and for CT versus CC it was 1.06 (CI 95% = 0.57-1.95). C465T odd ratio for TT genotype versus CC was calculated to be 0.22 (CI 95% = 0.009-5.56) and for CT versus CC it came out to be 3.01 (CI 95% = 0.63-14.32).

Conclusions

Our findings suggest that the NQO1 C609T and C465T gene variants do not have a major influence on the susceptibility to adult AML.

Key words: Polymorphism, Genetic, Acute Myeloid Leukemia, NQO1 Protein, human

Sci J Iran Blood Transfus Organ 2011; 8(3): 158-164

Received: 18 Jan 2011

Accepted: 16 May 2011

Correspondence: Safaei A., MS of Genetic. Science and Research Branch of Islamic Azad University, Ashrafi Esfahani Highway
Postal code: 14515-775, Tehran, Iran. Tel: (+9821) 88054375-8; Fax : (+9821) 88054355
E-mail: akramsafaei.134@gmail.com